

عنوان مقاله:

هویت عاطفی زنان دانشجوی دوره دکتری مبتنی بر تجارب زیسته در آموزش عالی

محل انتشار:

فصلنامه مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دوره 14، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

آمیتیدا روزگار - دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

کورش فتحی واجارگاه - استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

کامبیز پوشنه - استادیار برنامه ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هدف: بحث درباره هویت و داشتن تعریفی از خود همواره از اصلی ترین دغدغه های بشری است. هویت اشاره به شیوه هایی دارد که افراد و گروه ها در روابط اجتماعی خود از افراد و گروه های دیگر متمایز می شوند. فرآیند ساخت هویت از نظر احساسی خنثی نیست و همیشه تحت تاثیر احساسات است. هویت عاطفی به فرایند شناسایی از طریق احساسات اشاره دارد، به اینکه چگونه احساسات، شخص را راهنمایی می کنند که چه کسی است و جهان را چگونه می بیند. این مطالعه باهدف دستیابی به درک بهتر از هویت عاطفی زنان دانشجو مبتنی بر تجربیات معنادار آنان در آموزش عالی و به روش پدیدارشناسی هرمنوتیک انجام شده است. مواد و روش ها: مشارکت کنندگان این پژوهش ۴ نفر از دانشجویان دوره دکتری مشغول به تحصیل در رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های دولتی هستند. روایت های این زنان از تجارب عاطفی زیسته شان در دانشگاه به وسیله مصاحبه نیمه ساختاریافته و به صورت تلفنی جمع آوری و مراحل تکمیلی از طریق پیام رسان واتساپ انجام شد. داده ها با استفاده از تحلیل تماتیک و بهره گیری از رویکرد مکس ون منن در پدیدارشناسی، تحلیل گردید. بحث و نتیجه گیری: یافته ها نشان می دهد که حمایت عاطفی استاد از دانشجو، الگوبرداری عاطفی از استاد، علاقه به فضای زیسته ی دانشگاهی، بروز صدا و تقاطع قومیت با عاطفه ازجمله عوامل تاثیرگذار بر هویت عاطفی در حال ساخت و بازسازی زنان مشارکت کننده در این پژوهش است. تاثیرگذارترین تجربیات بر هویت عاطفی این زنان، حاصل تعاملات شان با اساتید و به ویژه استاد راهنما است و مشارکت کنندگان، استادان خود را به عنوان منبعی برای تایید و تقویت هویت عاطفی خود در نظر می گیرند. براساس نتایج پژوهش حاضر، از آنجاکه تغییرات عاطفی با یادگیری گره خورده است، حمایت عاطفی استاد از زنان دانشجوی دوره دکتری منجر به بهبود توانایی های شخصی و علمی آن ها شده است. هم چنین ایجاد محیط منعطف، امن و تکرپذیر برای دانشجویان و به ویژه زنان موجب ایجاد تعلق خاطر و برقراری تعامل بهتر با خود و دیگران می شود. به این ترتیب مبارزه برای گرفتن تایید هویت خود تبدیل به کنکاش عمیق برای شناخت خود و دیگران در یک محیط تسهیلگر می شود.

کلمات کلیدی:

آموزش عالی، تجربه زیسته، زنان دانشجوی دوره دکتری، هویت عاطفی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1420245>



